

موضوع : طرح سوالاتی از جناب آقای محمدی

- ۱- آیا آموزه نبوسیدن و یا در آغوش نگرفتن دختر ۶ ساله در رساله ها وجود دارد ؟ توضیح دهید.
- ۲- دیدگاه استاد محمدی در مورد خطرات روان شناختی بیان وقایع مربوط به سوء استفاده ها، مختص به این امر نیست . واقعیت این است که در تمامی آموزش های ایمنی در برابر حوادث و نظائر آن ، این مساله وجود دارد . البته باید ترس ها و ... را به نحو منطقی کنترل کرد که مرضی نشود.
- ۳- آیا انشای آیات از طرف پروردگار - که استاد محمدی فرمودند توام با حیا و دارای نوعی ایهام یا ابهام ! است- حتما ملاک تصمیم گیری در "آموزش" و انتقال پیام های مربوط به امور جنسی می باشد؟ دقت کنید! به هر حال عرب می فهمید لمتسم النساء یعنی مباشرت با زنان . اگر در ترجمه این آیه بگوییم لمس نکنید زنان را این اشکال پیش می آید که ممکن است خواننده فارسی زبان ، مطلب را به اشتباه بفهمد ! و ... بنابراین یا کتبی (یا شفاهی به عنوان توضیح) باید به او فهماند که منظور همان عمل جنسی است . خوب برای بچه ها چه؟ اگر پیام در حد ابهام و ایهام (برای رعایت کامل حیا) بماند، گویی می پذیریم که فرزند ما بدون درک روشنی از مساله می تواند رعایت های لازم را بنماید.
- ۴- درست است که به هر حال بیان علنی بزه های اجتماعی ، اعلام در حد بالای آن ها، آموزش پیشگیری از آنها ، نوعی حالت روانی پذیرش این موارد را - نا خواسته- فراهم می آورد . ولی این بحث عمدتا در بزرگسالان مصداق دارد . توجه کنیم که مخاطب ما در بحث مذکور یک کودک حداکثر ۱۰ ساله است. آیا این مخاطب اگر ناآگاه بماند و از وجود گرگ های اجتماع مطلع نشود زیانش بیشتر است یا این که نگران نوعی عادی سازی باشیم که به نظر می رسد این امر بیشتر و عمدتا در بزرگسالان رخ می دهد . توضیح بیشتر آنکه کودکان جامعه ما در سال های گذشته ، با ترس های موهوم از جن و آل و ... کنترل شده اند (فی المثل به تنهایی از خانه (به ویژه در شب) به بیرون از منزل نمی رفتند) . کدام کودکی را سراغ دارید که در اثر چنین شنیده هایی ، آل و ... را طبیعی فرض کند . دوستان توجه کنند که آموزش جلوگیری از سوء استفاده جنسی ، آموزش شناخت تهدیدها و فریب هاست و بالتبع با نوعی ترس توأم است و غریزه حفظ جان، " فرد" را به عمل متناسب وادار می کند و حداقل برای افرادی که به نحو منطقی از مواجهه با چنین خطراتی بترسند ، عادی نخواهد شد.

آقای محمدی: بحث امروز آموزش مراقبت کودکان برای پیشگیری از سوء استفاده جنسی است. اینکه این آموزش برای کودکان مفید است یا مضر؟ محتوای آموزشی در اینجا مهم است و اختلاف در اینکه این آموزش به کودکان انجام شود یا نه بر می‌گردد به محتوای آموزشی، در روانشناسی غرب آموزش اندامهای خصوصی به کودکان مطرح است. در این زمینه فیلمها و انیمیشن هایی ساخته شده از جمله انیمیشن کومل که یک مورد تعرض به یک کودک را نشان داده و بعداندامهای خصوصی را به کودکان دبستانی در محیط مدرسه آموزش می‌دهد. به نظر ما آموزش به این صورت آسیب هایی دارد که چند سؤال برگرفته از محتوای آموزشی بر مبنای روانشناسی غرب مطرح خواهد شد.

۱- در بحث پیشگیری از سوء استفاده جنسی آیا بعضی از آموزشهای کودکان همانند انیمیشن کومل تولید ترس و اضطراب نمی‌کند و امنیت روانی کودک را به مخاطره نمی‌افکند؟ معمولا در این آموزشها برخی وقایع دلخراش بر اساس شنیده ها توسط کودکان برای یکدیگر نقل می‌شود که تولید اضطراب و ترس می‌کند.

۲- آیا کودک زمینه منفی از گزینه جنسی پیدا نمی‌کند و این برای آینده جنسی کودک زیانبار نمی‌باشد؟

۳- آیا این زمینه منفی از گزینه جنسی به ایمان و باورهای مذهبی و حسن ظن کودک به خالق هستی آسیب نمی‌رساند؟ ناگفته نماند حالت سوء ظن به خدا در اثر نقل برخی وقایع بسیار دلخراش سوء استفاده حتی در میان بزرگترها هم دیده شده

۴- آیا برخی از آموزشهای عمومی و مستقیم کودکان همانند انیمیشن کومل حس کنجکاوی آنان را در این موضوعات بر نمی‌انگیزد، بحث روز آنان نمی‌شود، بیان خاطرات و تجربیات یا شنیده های گوناگون را در پی نمی‌آورد و ممکن نیست سبب بیداری زود هنگام و بلوغ زودرس برخی کودکان شود؟

۵- آیا نشان دادن انیمیشن کومل به کودکان موجب الگو گیری و رفتار سازی و این همانی و همزاد پنداری برخی از کودکان در همان سن یا سنین بالاتر نخواهد شد؟

۶- آیا آموزشهای این چنینی به مرور زمان سبب کاهش قبح و عادی سازی رفتارها نمی‌شود؟

رصد رسانه ای دلالت دارد بر اینکه غرب هم چنان که با ناهنجاری هم جنس گرائی کنار آمده در پی عادی سازی سوء استفاده از کودکان نیز می‌باشد و بعید نیست در آینده نه چندان دور این معضل نیز از لیست ناهنجاری های جنسی خارج شود.

۷- در غرب که این آموزشها داده شده چند درصد باعث کاهش این تعرض ها شده است، سهم اطلاع کودکان از اندام خصوصی در کاهش وقوع این جرم چه اندازه است؟ لازم به ذکر است که آمار سوء استفاده جنسی از کودکان در غرب هم چنان رو به افزایش است.

۸- طرفداران این آموزشها در غرب می گویند اگر این آموزش نبود میزان تعرض به کودکان بسیار بیشتر بود در پاسخ به آنها می گوئیم آیا احتمال نمی دهید خود این شیوه آموزش در افزایش آمار موثر بوده باشد؟

۹- به فرض اینکه این آموزشها در غرب مفید بوده ولی کپی برداری از آنها بدون بومی سازی با فرهنگ ایرانی اسلامی جواب مثبت می دهد؟ آیا محتوایی بهتر از محتوای روانشناسی غرب برای آموزش مراقبت از خویشتن وجود ندارد؟ به فرض اینکه تا کنون به محتوایی بهتر از آن نرسیدیم آیا امکان ندارد با تفکر و بررسی به محتوایی بهتر از آن برسیم؟

محتوای مد نظر در آموزه های دینی

این محتوا را از روایتی گرفتیم. در این روایت امام کاظم علیه السلام نزد محمد بن ابراهیم حاکم مکه و شوهر خواهر خویش بودند. او دختری داشت، همسر محمد به این کودک لباسهای زیبا می پوشاند و او هم نزد مردان می آمد و آنها هم هر کدام وی را در آغوش می گرفتند و به خود می چسباندند و می بوسیدند و ناز و نوازش می کردند. وقتی کودک به امام کاظم علیه السلام رسید حضرت در حالی که دستان خود را کشیده بودند دختر را نگه داشتند و فرمودند دختر وقتی به سن شش سالگی رسید روا نیست که مرد نامحرم او را ببوسد و به خود بچسباند و در آغوش گیرد. این واقعه از جنبه های گوناگون قابل بررسی است ولی آنچه به بحث آموزش مراقبت از خویشتن کودکان مربوط می شود ایناست.

۱- در این واقعه گرچه روی سخن با بزرگترها و آموزش آنهاست ولی روی دیگر سخن آموزش علنی و رسمی به کودکان نیز می باشد. در بحث پیشگیری هم نظر ما این است بیشتر باید بزرگترها مورد توجه باشند.

۲- در این آموزش کودک یاد می گیرد که نباید کسی او را در آغوش بگیرد یا ببوسد. (نامحرم)

۳- در این آموزش کودک خود را از نظر روحی آماده می کند که نباید این گونه مورد محبت بزرگترها واقع شود.

۴ - در این آموزش کودک یاد می‌گیرد که نباید از بزرگترها توقع داشته باشد به این صورت به او محبت کنند و اگر یک موقع به این صورت خواستند به او محبت کنند متعجب و نگران شود و حتی اعتراض کند چرا که امام کاظم علیه السلام نسبت به آن کار اعتراض فرموده و نهی کردند.

۵ - در این آموزش کودک می‌فهمد که تمام بدن او حریم اوست پس بایداز همه بدنش مراقبت کند همین سبب می‌شود کمتر در معرض سوء استفاده قرار گیرد. ایرادی که آموزش غربی دارد فقط اندام خصوصی را آموزش می‌دهند. یعنی مقدمات اولیه ای که هم در فیلم هیس هست و هم در انیمیشن کومل سوء استفاده گر با کودک بازی و ناز و نوازش می‌کند آن لحظه آخر که تحریک شد چه تاثیری دارد؟ چقدر آموزش اندام خصوصی تاثیر دارد(که در فیلم نمایش داده شد) یک دفعه کودک متوجه می‌شود که هیچ کاری از دستش بر نمی‌آید ولی اینجا می‌گوید تمام بدن حریم خصوصی است.

۶ - در این آموزش اغلب کودکان به طور ضمنی و ناخود آگاه می‌فهمند که باید از اندامهای خاص خودشان، "بیشتر" مراقبت کنند چرا، چون مجموعه رفتارهای والدین در تعویض لباس البته از نگاه اسلامی، والدینی که رعایت می‌کنند و در حمام و توالت و غیره این معنا را به آنها می‌فهماند. به عبارت دیگر والدین باید با رفتارشان به عنوان یک مدل روش مراقبت از اندامهای جنسی را به کودکان آموزش دهند. البته در شرایط عادی و به طور فطری نیز این مفهوم را کودک تا حدودی درک می‌کند.

۷ - این محتوای آموزشی بسیار شفاف و بدون هیچ گونه تحریک زایی و آسیب است.

۸ - در این محتوای آموزشی، هدف مورد نظری یعنی "مراقبت کودکان از خویشان در برابر سوء استفاده جنسی دیگران" تحقق می‌یابد و علاج واقعه قبل از وقوع تحقق یافته است. توضیح اینکه در بحث سوء استفاده غالباً فرد مهاجم با ناز و نوازش کردن کودک تحریک می‌شود و آن گاه تصمیم به تعرض می‌گیرد ولی در این آموزه دینی هیچ یک از این مقدمات واقع نمی‌شود تا بخواهد تحریک شود و تعرض کند.

۹ - متولی آموزش هم ، والدین، مدرسه و رسانه می‌توانند باشند. در آموزش غربی اختلاف بود که آموزش توسط والدین باشد یا در مدرسه و رسانه ها، ولی این محتوای آموزشی، متولی آن هم والدین می‌توانند باشند و هم مدرسه توسط معلم و مربی و هم رسانه ها چون هیچ گونه مشکل و آسیب زایی ندارد. این محتوا می‌تواند در قالب تصویر، داستان، فیلم و تئاتر مطرح شود.

ضمنا ممکن است به نظر برسد که این محتوا بسیار مختصر است و کافی نیست. این طور نیست که هر چیزی که مختصر باشد کافی و وافی نباشد. خیر الکلام *قل* و *دلّ* - این قسمت اول، قسمت دوم پاسخ به ایرادهایی است که گرفته شده.

یکی از ایرادها این است آیا با استناد به این حدیث مبنی بر پرهیز از در آغوش گرفتن کودکان می شود یک مدل ارائه کرد؟

پاسخ: اولاً یک حدیث نیست بلکه مجموعه ای از آیات و روایات در موضوعات مختلف، در آغوش گرفتن کودکان، بوسیدن، مباشرت از روی لباس، نگاه کردن، منع استمتاع از غیر همسر و غیره وجود دارد که از مجموع آنها می توان قائل به تواتر معنوی یا اجمالی این آموزه شد. ثانیاً بر فرض یک حدیث بیشتر نباشد چه اشکال دارد که بتوان از آن آموزه هایی را استخراج کرد که در هزاران نمونه مورد استفاده قرار گیرد. چنان که فقیهان از حدیث لا ینقض الیقین بالشک استنباط کردند که در تمامی اباحت دین استفاده و کاربرد دارد. ثالثاً می توان از آیه شریفه **فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ**^۱ که در سوره شریفه مومنون هست، قبلش فرمودند ارضاء غریزه جنسی فقط در قالب ازدواج مشروع است، کسانی که غیر از این روال به ارضای غریزه بپردازند فاولئک هم العادون، از این آیه قرآن می شود قاعده فقهی استخراج کرد مبنی بر اینکه هر نوع استمتاعیبه جز همسر، ممنوع و حرام است که دهها نمونه ومصدق می تواند داشته باشد از جمله در آغوش گرفتن کودکان و حتی نگاه تحریک آمیز به آنان، وقتی قاعده ای فقهی شد کاربرد فراوان می تواند داشته باشد.

دومین ایراد این است که آموزه یاد شده فقط در مورد دختر بچه هاست، به تعبیری حریم کل بدن شاید برای دختران صادق باشد ولی برای پسران چه راهکار و مدلی پیشنهاد می شود چون تعرض نسبت به پسران هم وجود دارد. انیمیشنی ساخته شده، که در غرب از هر ۵ دختر یکی مورد تعرض قرار می گیرد پسرها از هر ۶ نفر یکی است. در پاسخ می گوئیم می توان همین آموزه ها را برای پسران هم در نظر داشت. یک اصطلاح فقهی است به معنی بدست آوردن ملاک حکم و سپس تعمیم دادن آن به موارد مشابه، مثلاً علت اصلی حرمت شراب در مستی آور بودن آن است، به دلیل الخمر حرام لانه مسکر، در اینجا حکم حرمت دائر مدار اسکار است پس غیر شراب همانند هروئین و شیشه نیز اگر مستی آور و زائل کننده عقل باشد حرام است. این با قیاس فرق می کند. اینک در موضوع مورد نظر، علت نهی امام از در آغوش گرفتن دختر بچه بحث تحریک زایی و سوء استفاده بوده است بنابراین اگر این تحریک زایی در مورد پسر بچه نیز باشد حکم نهی در آغوش گرفتن، شامل او هم می شود.

^۱سوره مومنون آیه ۷

افزون بر این، در مورد پسر بچه ها روایات خاص وجود دارد که از طریق تمرکز بر اطلاق آن می توان قائل به نهی از آغوش گرفتن آنان شد. در این روایت پیامبر گرامی اسلام صلوات ... علیه و آله هشدار داده و می فرمایند: *یا کرم و اولاد الغنیاء والملوک المرء فان فتنتهم اشد من فتنة العذری فی خدورهن*^۲ از فرزندان ثروتمندان و پادشاهان که زیبا روی بوده و در رفاه هستند و هنوز صورتشان موی در نیآورده پرهیزید زیرا دلربائی اینان بیش از دلربائی دوشیزگان پرده نشین است.

در این روایت به طور مطلق فرموده است از پسر بچه های این چینی که غریزه انسان را تحریک می کنند پرهیزید و این پرهیز می تواند شامل نگاه به آنها یا بوسیدن و در آغوش گرفتن و نوازش کردن و غیره گردد و حتی تحریک پذیری این دسته از پسر بچه ها را از دوشیزگان پرده نشین نیز شدیدتر دانسته است. بنابراین نهی از آنها شدیدتر خواهد بود. البته مشخص است در این روایت، فرزند ثروتمند و پادشاه بودن خصوصیتی ندارد بلکه در آن زمانه، از باب اغلبیت فرزندان آنها معرفی شده است، پس می توان از طریق خصوصیت فرزند ثروتمند بودن این منع را شامل هر پسر بچه ای دانست که همانند آنها دلربائی داشته باشد و شکی نیست در زمانه ما به جهت توزیع رفاه بسیاری از پسر بچه ها را شامل می شود.

ایراد سوم- در این روایت فقط نهی از غیر محارم ذکر شده، متأسفانه بخشی از تعرض ها توسط محارم انجام می پذیرد، آیا همین آموزه می تواند پاسخگو باشد؟ پاسخ: اگر محارمی همانند عمو و دایی هم در معرض تحریک باشند باز همین منع و نهی وجود دارد. از دیدگاه اسلام هر نوع تمتع به غیر از همسر حرام است و محرم و غیر محرم ندارد. البته در شرایط طبیعی محارم کمتر در معرض خطر هستند ولی در عین حال باید والدین مراقب باشند در صورتی که این خطر برای محارم وجود داشته باشد به او هم تذکر دهند و منع کنند و به فرزند خود نیز آموزش دهند که در آغوش او قرار نگیرد و برای آموزش، بهتر است همین روایت و عکس العمل امام علیه السلام بازگو گردد. اگر سوء استفاده گر خود والدین باشند که موارد این چینی بسیار اندک است دیگران از جمله مدرسه موظف است علاوه بر آموزش به کودک، پیگیری های مشاوره ای و حتی قضائی هم داشته باشد و این کودکان را از تحت سرپرستی آنان خارج سازند چرا که یکی از مصادیق کودکان بد سرپرست، موارد این چینی است.

چهارم- دیده شد که رهبر فرزانه انقلاب که خود فقیهی آگاه هستند دختر بچه شهید هسته ای را بوسیدند آیا این اقدام توجیه شرعی دارد و آیا با مدل ارائه شده سازگار است؟ در پاسخ بعضی از فقیهان به دلیل ضعف

^۲. وسائل الشیعه، کتاب نکاح، باب ۲۱، ص ۲۵۸

سند، بوسیدن بچه شش ساله را یک مساله دانستند و حکم آن را مجزا بیان کرده اند و در دامن گرفتن دختر بچه شش ساله را مساله ای دیگر دانسته و آن را دارای حکمی مجزا، آقای شبیری زنجانی این را در درس خارج نکاح بررسی کردند و گفتند بوسیدن دختران شش ساله روایتش از نظر سند ضعیف است ولی روایت در دامن گرفتن بچه شش ساله روایتش قوی است، ایشان گفتند در دامن گرفتن جایز نیست ولی بوسیدن اگر از روی شهوت نباشد مانعی ندارد. گفته شده در باره محارم مانند عمه، خاله، خواهر اینها را می‌تواند پیشانی یا سرشان را ببوسد. امام خمینی در کتاب تحریرالوسیله آورده است احتیاط واجب آن است که مرد نامحرم دختر بچه شش ساله را در دامن نگیرد و در مساله بعدی فرموده بنا بر احتیاط واجب بوسیدن دختر بچه شش ساله برای مرد نامحرم جایز نیست. اینها بحثهای تخصصی است. وقتی روایتی از دیدگاه فقیه، قابل استناد نباشد ملاک حرمت و علیت در مورد دختر شش ساله، تحریک و عدم تحریک می‌شود. بنابراین اگر برای کسی تحریک نداشته باشد بوسیدن ایرادی ندارد از سویی دیگر بوسیدن دختر شهید هسته ای که بچه یتیم بوده و در آموزه های دینی سفارش فراوان بر مهربانی با آنان شده است و رهبر انقلاب بر این آموزه عمل کرده و روایات عدم جواز بوسیدن دختر شش ساله هم ممکن است از نظر ایشان به خاطر ضعف سند مورد اطمینان نباشد و از سوی دیگر در معرض تحریک هم نبوده و اشکالی وارد نیست.

پنجم- با توجه به اینکه آموزش جلوگیری از سوء استفاده جنسی باید برای هر سه گروه، "کودکان آسیب ندیده" و "در معرض آسیب" و "آسیب دیده" باشد آیا می‌توان این آموزه را برای هر سه گروه ارائه داد؟ توضیح بیشتر آنکه کودکان سه گروه هستند، کودکانی که آسیب ندیدند، اینها جدا بایده آموزش ببینند و کودکانی که در معرض آسیب هستند یعنی در محیط یا مدرسه ای هستند که در معرض آسیب هستند باید آموزش اینها متفاوت باشد یک عده از کودکان هم هستند که آسیب دیدنده اند آموزش اینها باید چگونه باشد؟ این محتوای دینی که عنوان شد برای این سه گروه چگونه باید باشد. پاسخ: برای آنهایی که آسیب ندیده اند همین روایت را می‌توان نقل کرد یا فیلم آن را به نمایش گذاشت. بالاخره کودک به اندازه درک خود چیزهایی می‌فهمد و اندک اندک که بزرگتر شد فهمش بیشتر می‌شود و این برای ایمن سازی او کفایت می‌کند. اما کودکانی که در معرض آسیب قرار دارند با نقل این روایت و بعضی از تحلیل های ذیل بخش اول مقاله را نیز بیان نمود. البته ممکن است بیان توضیحات او را نگران کند ولی چون در معرض آسیب بسیار بزرگی قرار دارد چاره ای از بیان آنها نیست. زمانی که به خانه خدا رفته بودیم در ابتدای مستقر شدن در هتل گفتند اینجا کارگرهای جوان مجرد هستند مواظب بچه های تان باشید. برای کودکان آسیب دیده نیز نقل این روایت و توضیح و تحلیل های یاد شده و بیشتر

می‌تواند آنها را در برابر تکرار آسیب‌ها بیمه کند. علاوه بر آموزش‌های مبتنی بر حدیث، برای تکمیل و در صورت لزوم آموزش مهارت‌نه، برو، بگو می‌تواند مفید باشد.

۶ - از آنجا که در خلأ نمی‌شود جامعه را اداره کرد بلکه باید برای حل معضلات نسخه‌ای ارائه کرد اگر روزی به این نتیجه برسیم آموزه‌های دینی آموزش به کودکان در مساله مورد نظر کافی نیست و اگر در جستجوی خویش به مدل مد نظر دین نرسیدیم در این صورت می‌توانیم از روی ناچاری به محتوای آموزشی غرب مراجعه کنیم.

پاسخ. ما می‌توانیم با توجه به روایات فراوان درباب تعلیم و تربیت جنسی محتوایی را تولید کنیم که با ذائقه شریعت در طرح این قبیل مسائل هماهنگ و سازگار باشد و مورد تایید کارشناسان دینی قرار گیرد. به عنوان نمونه اگر فرزندان در شرایط خاص و نگران‌کننده بود شما می‌توانید برای پیشگیری از سوء استفاده جنسی فرزندان به شیوه زیر عمل کنید. مثلاً به هنگام حمام کردن دست و پای او را بشویید و بعد صابون را به خودش بدهید و بگویید اندامهای داخل لباس زیرش را خودش بشوید و چهره خود را برگردانید و نگاه نکنید. با این ابتکار کودک به طور ناخودآگاه می‌فهمد که اندامهای خصوصی بدن او همان قسمتهایی است که با لباس زیر می‌پوشاند و نیز می‌فهمد که کسی حق ندارد به آنها دست بزند یا نگاه کند حتی پدر و مادر، البته در صورت لزوم با توجه به سن و شرایط فرزندتان توضیح دهید اینها اندامهای خاص هستند و کسی حق ندارد به آنها نگاه کرده یا دست بزند مگر در مواقع بیماری که پزشک بخواهد با حضور پدر یا مادر آنها را معاینه کند و اگر کسی را دیدید که می‌خواهد این اندامها را به دیگری نشان دهد کار اشتباهی است که می‌توانی او را راهنمایی کنی و بگویی کار خوبی نیست. و در صورت لزوم با توجه به شرایط فرزندان توضیح دهید تو هم نباید این اندامها را در برابر کسی برهنه کنی و به کسی نشان دهی و اگر کسی بخواهد به آنها نگاه کند یا دست بزند باید او را منع کنی و بلافاصله از آن شخص و مکان دور شوی و بعد هم به پدر یا مادر یا معلم بگویی،

۷ - چرا در آموزش مراقبتهای جنسی کودکان این اندازه با احتیاط و کنایه و در لفافه و با حیا باید سخن گفت؟ چرا آشکارا و شفاف همه چیز را بیان نکنیم.

پاسخ. سخن آشکار و شفاف در این موضوع پیامدهای منفی در پی خواهد داشت از جمله اینکه این رفتارها را عادی سازی می‌کند و به تدریج، قبح این آزارها و اذیت‌ها و انحرافات اخلاقی را کاهش می‌دهد و بعد هم به کنار آمدن با آن می‌انجامد همان گونه که در غرب هم جنس‌گرائی تا چند سال پیش در لیست انحرافات جنسی بود هم اکنون از این لیست خارج شده است و همه با آن کنار آمده حتی قانونی نیز کرده اند. در باره سوء

استفاده از کودکان هم علیرغم همه این آموزشها در غرب آمار سوء استفاده رو به افزایش است و اندک اندک در حال کنار آمدن با آن هستند که یک عاملش ممکن است آموزش بی پرده و همگانی و فراوان این موارد باشد که به تدریج به عادی سازی آن می‌انجامد. اساسا شیوه قرآن کریم در طرح این مباحث با کنایه و لفافه سخن گفتن و کوتاه و بسنده کردن به حداقل واژه‌ها و پوشیده به حیا و بدون تحریک زایی است و اگر کسی به سن بلوغ و رسش جنسی نرسیده باشد مفهوم برخی از این واژه‌ها را نمی‌فهمد و این نفهمیدن از روی حکمت است، از جمله اینکه از بیداری زود هنگام پیشگیری می‌کند، قبح آن ریخته نمی‌شود، خاص بودن این اعمال حفظ می‌گردد و از پرده دری و عادی سازی جلوگیری می‌کند. ممکن است برخی از روی ناآگاهی اسم این را تابو بگذارند و طرف مقابل را متهم کنند و در حالت انفعالی قرار دهند. در پاسخ می‌گوییم اشکال ندارد سؤال ما این است غرب تابو زدایی کرده الان به کجا رسیده، آیا افزایش آمار سوءاستفاده در کشورهای غربی افسانه است، آیا آنها با تابو شکنی موفق شده‌اند؟ بهتر است کمی به هویت خودمان و آموزه‌های دینی برگردیم و این همه وادادگی و بی‌هویتی را وانهیم.

آیه شریفه قرآن فرموده **أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكَ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ** اینجا از الفاظ کنائی استفاده کرده، ترجمه این قسمت، غائط در اثر کثرت استفاده آنچه متبادر به ذهن می‌شود مدفوع است ولی در زبان عرب **الْغَائِطِ** / اشاره به جایی پست است، کسی که از جای پستی بالا می‌آید (یا به تعبیری از توالت بیرون می‌آید). خیلی به کنایه مطرح شده است در صورتی که می‌شد آشکار بیان کرد. یا **أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ** کنایه از بحث آمیزش است. آیه قرآن فرموده اگر در سفر بودید یا مریض بودید و یا جایی را برای طهارت پیدا نکردید تیمم کنید، اگر نیاز به غسل دارید، تماس گرفتید با همسران تان، خیلی به کنایه گفته می‌توانسته آشکار بگوید عمل آمیزش، استناد دوم آیه سوره یوسف **وَ رَاوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَ غَلَقَتِ الْأَبْوَابَ وَ قَالَتْ هَيْتَ لَكَ**، و آن زن که یوسف در خانه او بود با او آمد و شد داشت، کنایه از اینکه از او طلب کامجویی کرد، درها را بست و گفت بیا به سوی آنچه برای تو مهیا است. آیه بعد **وَ لَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَ هَمَّ بِهَا لَوْ لَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ** - آن زن قصد او کرد، کنایه از درخواست نامشروع و او نیز اگر برهان پروردگار را نمی‌دید قصد وی می‌نمود. آیه بعد بحث استیذان است که در سه وقت بایستی کودکان اجازه بگیرند. **ثَلَاثَ عَوْرَاتٍ لَّكُمْ** - سه هنگام برهنگی شماست، کنایه از سه وقت برای آمیزش - و این آیه که به پیامبر اجازه می‌دهد. **إِنَّ الَّذِينَ يَسْتُذِنُونَكَ أُولَئِكَ**

^۳.سوره مائده آیه ۶

^۴.سوره یوسف آیه ۲۳

^۵.سوره یوسف آیه ۲۴

^۶.سوره نور آیات ۵۸-۶۴

الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا أَسَأَ دَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأَذَنَ لِمَن شِئْتَ مِنْهُمْ^۷ اگر کسانی برای کار خیلی

مهم از تو اجازه خواستند به آنها اجازه بده، کار مهمش چه بوده؟

حنظله غسیل الملائکه در جبهه بود از پیامبر اجازه خواست برای شب زفافش برود و برگردد. ایشان می‌رود و حتی فرصت غسل کردن هم نمی‌کند. آیه قرآن می‌فرماید لبعض شأنهم- برای بعضی از کارهای مهم خودشان کنایه از شب زفاف، و کیف تاخونده و قد افضی بعضکم الی بعض می‌گوید چطور مهریه را می‌خواهید بازپس بگیرید در حالی که به یکدیگر رسیدید. این را هم با کنایه مطرح می‌کند. و در مورد شبهای ماه رمضان **أَجَلَ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ ...^۸**، رفث معنای کنائی است، سخن گفتن عاشقانه با همسران کنایه از بحث آمیزش است. لاتباشروهن "تاباشروهن" در معنای لغوی یعنی تماس پوستی با زنان نداشته باشید زمانی که در مساجد هستید. عاکفون به معنای معتکف در مسجد نیست، اینجا حضور در مساجد را گفتند بحث اعتکاف نیست. البته در بحث اعتکاف به این هم استدلال کرده اند ولی آن روایت خاص اعتکاف است که حرام است حتی نگاه شهوت آلود به همسر در اعتکاف حرام است ولی اینجا حضور در مسجد است. اما آنچه در روایات در مقام شهادت در دادگاه برای اثبات زنا و مانند آن آمده گفتند شاهدان باید صحنه جرم را به یک صورت خاص ببینند که همان هم کنایه استاین هم در قالب تمثیل آمده تا کمترین تحریک زایی را داشته باشد وگرنه می‌توانست نام خاص اعضا را بیان کند. مواردی که در روایات آشکارا به آموزش مباحث خاص جنسی پرداختند از باب ضرورت بوده چون مقام مقام خاصی است و آن مطالب مربوط به اتاق خواب همسران می‌باشد آن هم فقط برای همسران، البته این هم به حد کفایت بوده، نه اینکه مطالب خاص مورد نیاز متخصصان ارولوژی برای همسران تشریح شود.

پیامبر صلوات .. علیه و آله در یکی از روزهای آغازین ازدواج حضرت امیرالمومنین و حضرت صدیقه طاهره سلام ... علیهما به دیدن آنها رفته و مسائل خاص زناشویی و اتاق خواب را آشکارا بیان می‌فرمایند که تا پیش از ازدواج هرگز آنها را بیان نفرموده بودند، که به نظر می‌رسد آنجا محل شرم و حیا نیست. نتیجه اینکه دین مبین اسلام به تعلیم و تربیت جنسی و محتوای آموزشی از نظر کمی و کیفی بسیار اهمیت داده و دقت نظرهای بسیار ظریف دارد و حتی از باب احتیاط به تفکیک مخاطبین در آموزش این مباحث نیز توصیه نموده است. مثلا در سوره نور که بیشتر در مورد عفاف و کنترل نگاه و حفظ حجاب سخن به میان آمده به عنوان یک متن مناسب برای آموزش افراد به ویژه زنان و دختران معرفی شده است اما سوره یوسف به خاطر اینکه داستان انحراف

۷.سوره نور آیه ۶۲

۸.سوره بقره آیه ۱۸۷

اخلاقی و رفاه در آن مطرح شده از آموزش آن به زنان نهی گشته است و این نشان می‌دهد که اسلام به محتوای آموزشی عنایت ویژه ای دارد. بنابراین در تولید محتوای آموزشی در مباحث جنسی لازم است نهایت دقت به لحاظ رعایت حریمها و حُجب و حیا صورت پذیرد و به ویژه در بحث سوء استفاده به هنگام آموزش کودکان این اصل رعایت گردد و چنانچه رعایت نگردد حریمها برچیده و عادی سازی می‌شود و خود عاملی برای شیوع این ارتباطات می‌گردد همانگونه که در غرب این اتفاق رخ داده است.

آقای دکتر صابری فتحی:سئوالی که مطرح است اینکه در آموزش اینها در مدارس چگونه این تقسیم بندیها انجام می‌شود. یعنی افراد تحت خطر آسیب دیده یا در معرض خطر چگونه متوجه خواهید شد از اینکه کسی از سوی نزدیکان در حال تعرض واقع شده، و در بیان مطالب اینکه غربیها چه می‌کنند و کارهاشان چه تاثیری داشته این ممکن است موافق و مخالف داشته و عکس العمل ایجاد کند. به نظرم زیاد نیاز نیست که از آنها شاهد مثال بیاوریم که موفق بودند یا نه، اصلا فرهنگ آنها با ما متفاوت است. مباحث طرح شده خیلی مفید است و شاید لازم نباشد همه چیز را به بچه گفت.

حجت الاسلام والمسلمین ابراهیمی: ما یک تربیت دینی داریم و یک آموزش دینی، در سیره اهل بیت و منابع دینی بیشتر به تربیت دینی سفارش شده ایم. در جامعه ما الان آموزش مطرح است و آموزش هم دو قسمت است، یک بخش آموزشهای غربی و یک بخش آموزشهای دینی استو این هر دو دارای اشکال است. ما در منابع دینی خیلی چیزی به عنوان آموزش دینی نداریم. روایتی هم که هست ما به زور می‌خواهیم این را تبدیل به آموزش دینی نمائیم و این اشتباه بزرگ ماست. تربیت دینی دقیق تر و اثر پذیرتر است و یک نوع آموزش غیر مستقیم است. در هر جامعه به هر میزان تربیت انجام نشود آن جامعه به آموزش رو می‌آورد. دهه ۶۰ و ۷۰ را با دهه ۸۰ و ۹۰ ببینید. الان کتابهای آموزشی خیلی زیاد شده در مسائل خانواده و مباحث جنسی علت این است که از تربیت دینی فاصله گرفتیم مجبور شدیم رو به آموزش دینی بیاوریم. در این آموزش در مباحث جنسی غربیها خیلی کار کردند و خیلی قوی ترند در حالی که مبنای ما تربیت بوده، چون آنها قوی عمل کردند کتابهای آنها ساختار دارد شکل زیبایی دارد. روایات ما تربیت دینی یعنی آموزش غیر مستقیم است. چون در تربیت دینی کم گذاشتیم به اجبار رو آوردیم به آموزش دینی، یک نکته ای که در بحث حمام مطرح کردند این آموزش نیست تربیت است. در آن قسمت از بدن کودک پدر خودش را کنار کشیده حتی روی خود را برمی‌گرداند، تمام، بقیه اش اضافی است. همین که شما رو برمی‌گردانید و اینکه بچه من از کودکی ببیند پدر وقتی می‌خواهد لباسهایش را عوض کند درون اتاق رفته با صدای بلند می‌گوید کسی وارد نشود این تربیت است، آموزش نیست. ما وقتی کلاس تشکیل می‌دهیم می‌شود آموزش، وقتی که تغذیه ما از مینا مشکل دارد، یک

رابطه بین تغذیه و مباحث جنسی است، کاملاً مستقیم است. بهمحض اینکه حضرت آدم و حوا نزدیک شدند به آن شجره و بحث خوردن مطرح شد بلافاصله برهنه شدند. پس معلوم می‌شود رابطه ای بین خوراک و مباحث جنسی وجود دارد. وقتی تغذیه و مسکن و لباس ما مشکل دارد و اینها را حل نکردیم مباحث جنسی مطرح می‌شود. در کشور چندین هزار زوج جوان داریم که نازا شدند. می‌دانید که در قدیم زنان نازا بودند اما مرد نازا نداشتیم خیلی به ندرت، امروز تعداد مردهای نازا بیشتر شدند وقتی تغذیه، لباس زیر و تربیت ما مشکل داشت دچار این همه آسیب می‌شویم. ببینید در این آپارتمان تربیت دینی امکان پذیر است؟ نمی‌شود. تربیت دینی یک زندگی کاملاً طبیعی است، آموزش در آن نقش ندارد. به هر میزان تربیت دینی نداشته باشیم آن جامعه مجبور می‌شود رو به آموزش بیاورد، جامعه غرب باشد با مبانی خودش، ما هم بیست سال دیگر می‌فهمیم اشتباه کردیم. اینکه رهبری فرمودند سبک زندگی را تغییر دهید، سبک زندگی یعنی همین، اگر سبک زندگی ما به سمت و سوی تربیت دینی برود مباحث جنسی هم به طور طبیعی حل خواهد شد. اما با توجه به شرایط فعلی چه باید کرد در این شرایط نیاز داریم به آموزش، اصل بر این است که تربیت دینی را اجرا کنیم اما با توجه به شرایط فعلی بالاجبار باید آموزش جنسی داشته باشیم اما این اصل نیست اصل تربیت دینی است. من با چند نفر از دوستانی که در کار مشاوره هستند مشورت کردم از جمله آقای دکتر نیری ایشان هم با این نظر موافق بودند که ما باید به سمت تربیت دینی حرکت کنیم اما الان اشکال ندارد به سمت آموزش هم قدم برداریم اما اگر می‌خواهیم آموزش بدهیم به پدر و مادرها آموزش داده شود. و مرحله بعد آنهایی که در آستانه ازدواج هستند، گرچه اگر به سمت تربیت دینی می‌رفتیم احتیاج به آموزش هم نبود همان طور که نسل های گذشته ما به طور طبیعی زندگی می‌کردند و مشکلات ما را هم نداشتند چون آنها تربیت دینی داشتند. تربیت نیاز به حضور فیزیکی دارد که در کنار بچه باشیم ما زمان کمی با خانواده هستیم. شما هر میزان هم که با خانواده باشید آنها ناراضی هستند چون کیفیت ندارد. در خانه هم در کنار بچه با موبایل هستیم و کیفیت اگر باشد اشکال ندارد. حدود بیست سال بعضی از آقایان طب سنتی ما سختی کشیدند امروز دارد جواب می‌دهد، زندان رفتند، تبعید شدند در زندان و تبعید کتابهای شان را نوشتند ولی الان مردم به طب سنتی و به زندگی سنتی رو آوردند، اما با آگاهی روز- یک زمانی ظرفهای مسی را مردم دور ریختند در بحث نمک، روغن، تغذیه، مردم ما مایلند تغذیه شان را تغییر بدهند. این تغییر در تغذیه، لباس، مسکن مقداری زمان نیاز دارد اگر اینها درست شد بعد از مدتی خیلی نیاز به آموزش جنسی نمی‌بینیم چه در کودکان و چه در زوجها مقداری زمان بر هست اما بدانیم از کجا آسیب دیدیم. با آموزش مسائل کودکان ولو از منابع دینی خیلی به جایی نمی‌رسیم. شما هر کاری انجام دهید اگر بچه تربیت دینی نشده باشد آموزش دینی برای او بی فایده است.

آقای محمدی: آموزش و تربیت دو روی یک سکه هستند و اینها را نمی‌شود از هم جدا کرد. آیه قرآن هم آموزش را مقدم آورده و يعلمهم الكتاب و الحکمه و یزکیهم اول آموزش است بعد پرورش درست است بعضی می‌گویند پرورش مقدم است آن به لحاظ اهمیت است ولی رسیدن به آن تربیت حتما مقمه اش آموزش است. مثالهایی که زدید در بحث طب سنتی اینها آموزش دادند و بعد به مرحله عمل رسیدند. تربیت و آموزش دو روی یک سکه هستند نمی‌شود از هم جداشان کرد.

حجت الاسلام والمسلمین ابراهیمی: یعنی چه دو روی یک سکه هستند؟

آقای محمدی: یعنی حتما با آموزش می‌شود به تربیت رسید

حجت الاسلام والمسلمین ابراهیمی: پس دو تا هستند.

آقای دکتر صابری فتحی: بحثی که آقای ابراهیمی می‌گویند درست است. وقتی بچه را می‌خواهید نماز خوان بار آورید نیاز نیست بگویید بلند شو نماز بخوان وقتی در عمل ببیند او متوجه می‌شود. مشکلی که جامعه ما امروز با آن رو به رو است ایناست که منابع تغذیه اش فرق کرده، در قدیم افراد در شهر خودشان با محدودیت های ارتباطی، با تربیت نسل گذشته خو می‌گرفتند. ولی همین طب سنتی هم وارداتی است. این پست مدرن است، پست مدرن یعنی برگشت به گذشته، مدرنیسم آمده یک سری چیزها را تغییر داده، یک خلاهایی پیدا شده، حالا می‌خواهیم برگردیم به گذشته، طب سنتی امروز در بیمارستان امام رضا علیه السلام به خاطر آنهایی که به زندان رفتند نیست، به خاطر آن است که این را در فلان بیمارستان امریکا هم انجام دادند و اینها هم اجرا می‌کنند. یا خیلی چیزهای دیگر که بیشتر جنبه وارداتی دارد ولی بحث آموزش که در سلسله مباحث عفاف گرائی مطرح شده به خاطر این است که در اینجا خانواده را به عنوان یک هسته ای که بتواند تربیت اسلامی را به بچه منتقل کند و برای اینکه بچه بتواند در مدرسه و اجتماع از خودش محافظت کند این نقاط ضعف احساس شده گفتند می‌خواهیم این را در آموزش و پرورش اجرائی کنیم و آن هم با مربیان و دیگر عوامل کمک کند به هسته اولیه به نام خانواده چون پدر رفتارش به گونه ای است که برای بچه بد آموزی دارد. دیگر در داخل اتاق لباس عوض نمی‌کند بلکه در بین جمع این کار را می‌کند. این حدیثی هم که از امام کاظم علیه السلام آوردند همین است که در آن جمع پدر و مادر و دیگران این آموزش را ندیدند امام به عنوان مجری اوامر الهی این آموزش را به بچه و دیگران می‌دهند یعنی عملا بچه را در آغوش نگرفته و درست است امام حاکم جامعه نبودند ولی این وظیفه الهی خود را انجام می‌دادند کاری که در آموزش و پرورش می‌خواهد انجام شود. اگر خانوادهها

صد در صد علیه السلام بودند شاید نیاز به این مساله پیش نمی‌آمد مثل اینکه در سال ۶۰ این نیازها را نداشتید. فقط اینکه شما آموزش را تقسیم کردید به سه قسمت آیا در اجرا نیز برای آن برنامه دارید آسیب ندیده، یا آسیب دیده،

آقای دکتر باقری: یک برداشتی از کلیت این حدیث به ذهن من می‌رسد آیا مخاطب حدیث افراد حاضر در آن جلسه بودند؟ بزرگان یا یک کودک، مخاطب کیست؟ همان طور که شما یک برداشت دارید من هم یک برداشت متناقض می‌توانم داشته باشم که این حدیث بیشتر ناظر به بزرگان جلسه است و به آنها می‌گوید در رفتارشان با دختری که در سن خاصی است باید مواردی را رعایت کنید. اینکه این حدیث در باره آموزش سوء استفاده مستقیم به ما مطلبی داده یک بحث چالشی است. ما آموزش سوء استفاده را به کودکان مد نظر داریم و این حدیث خطابش بزرگان است. بحث بعدی آقای دکتر سعیدی بگویند وقتی می‌خواهیم آموزش دهیم از اجزای آموزش این هست که باید مولفه های بحث روشن شود یا در فضایی می‌خواهیم آموزش بدهیم ولی با ابهام صحبت کنم. مخصوصا موقعی که مخاطب من کودک ۵-۶ یا ۷ ساله است. اینکه در نگاه دینی باید با حجب و حیا در زمینه سوء استفاده صحبت کنیم می‌پذیریم. تمام مثالهایی که از آیات آوردید برای بزرگانی بود که از آیات استفاده می‌کنند. مخاطب ما یک کودک است مسائل روان شناختی کودک را در سطح خودش ببینید، اتفاقا باید شفاف باشد چون رشد شناختی کودک عینی است. عینی بودن یعنی باید مصداق را بفهمد و ببیند. من خواسته باشم در لفافه با او صحبت کنم پیام منتقل نخواهد شد. بحث سوء استفاده برای کودکان به صراحت نیاز دارد وگرنه به هدف نخواهد رسید. این حدیث برای بزرگان است و امام هم به خوبی برای افراد حاضر پیام می‌دهد. کودک در آن سن و سال بهره ای که از بیان امام می‌برد ۵ درصد است اما افراد آنجا ۹۵ درصد از این حدیث مطلب یاد گرفتند. بعد دو سه استفاده دیگر کردید مانند در معرض خطر، پیشگیری که به نظر من جای تامل دارد. برای کسی که آسیب دیده است بیانی حدیث احساس گناه بیشتری می‌کند و اضطراب او بیشتر می‌شود. از یک حدیث می‌شود در سطوح مختلف استفاده کرد؟ شاید این حدیث کاربردش برای پیشگیری است در گروههای مخاطب خاص، در حوزه سوء استفاده جای تامل دارد که آیا می‌شود از آن استفاده کرد یا نه؟ و در مورد افرادی که در معرض خطر هستند شاید باید خیلی صریح تر ورود کرد. افرادی که در معرض خطر هستند اصل بر پیشگیری و کاستن آسیب است مانند افراد معتاد کسانی که در معرض خطر هستند اینجا از همه ابزار باید استفاده کرد. کودکی که در منطقه ای آسیب دیده زندگی می‌کند و آسیبهای اجتماعی زیاد است مهمترین راه این است که خود او را مصون سازی کرد. بحث سوء استفاده ماهیتا باز است در رابطه با کودکان است و

صریح، چون هدف این است به همین صراحت بچه‌ها متوجه شوند. آسیب خیلی جدی‌تر از اینها است و برداشت از احادیث و روایات متفاوت است.

آقای دکتر سعیدی: در پاسخ دکتر باقری اگر بپذیریم در روانشناسی بگوییم غریزه و فطرت، اگر این حجب و حیا در فطرت انسانها به ودیعه گذاشته شده آیا نیاز است ما حریم خصوصی بدن را مطرح کنیم؟ بچه‌هایی که به مدارس اسلامی می‌روند، خانواده‌شان دینی است فرض کنید برای خانواده دینی کار می‌کنیم آیا لازم است مانند کومل به صراحت بشماریم این یک و دو و سه حریم خصوصی بدن است؟

آقای دکتر باقری: برداشت من از حجب و حیا در نگاه دینی درجه بندی دارد. می‌گویند حیا ده درجه دارد در هر مرحله‌ای که فرد جلو می‌رود یک سطح از حیا تعریف مجددی لازم دارد. برداشت یک نوجوان از آموزه‌های جنسی متفاوت است. با او نمی‌توان در یک زمینه خاصی باب‌بهاص صحبت کرد. اینجا حیای ما یعنی به جایی نرسیدیم. ما در سئوالات جنسی گفتیم در حد فهم کودک به اقتضای او مفاهیمی را بگوییم که قابل فهم باشد. در بحث سوء استفاده نگاه کودک مانند ما نگاه جنسی نیست، وقتی آنجا از مواضع سینه‌ها و باسن و اینها صحبت می‌کنم که حریم توست و کسی نباید دست بزند شاید همان برداشت آدم بزرگ را خواهد کرد نه، مثل وقتی که از گوش او صحبت می‌شود در مورد اندام جنسی هم چنین برداشتی دارد بنابراین نگاه کودک به اعضای بدنش نگاه جنسی نیست. و دیگر اینکه سطوح حیا درجه بندی شده است. در این سطح این را بگوییم مصون سازی اتفاق می‌افتد که حیا را برای او تثبیت می‌کند.

آقای دکتر سعیدی: یک بار دیگر سئوالم را تکرار می‌کنم. تفاوت شما با آقای محمدی این است ایشان می‌گویند ما اشاره‌ای به اندام تناسلی و سینه‌ها و... نکنیم بلکه بگوییم کل بدن را مراقبت کن، شما می‌گویید انیمیشن کومل که با دایره قرمز دور سه قسمت (اندام خصوصی) را مشخص کرده باید ملاک باشد. آقای محمدی هم در ایهام صحبت نمی‌کنند بلکه می‌گویند از کل بدن مراقبت لازم است. آیا بر اساس دیدگاه روان‌شناختی کودک وقتی در حمام و در هنگام شستشو کارهایی را به او یاد دادیم به شرطی که بپذیریم آموزش کلی (مراقبت از کل بدن خودمان) را داده ایم آیا تصریح به نام بردن این قسمت‌ها لازم است یا نه؟ یا خودش به طور غریزی احساس می‌کند این چند قسمت مهمتر است؟

آقای دکتر صابری فتحی: خوب ما آموزش را به بچه دادیم وقتی به خانه مراجعه می‌کند آیا این پذیرش در خانواده هم وجود دارد؟ نکته دوم اینکه ما حتی به بچه ۵ ساله بگوییم تو با غریبه راه نرو، من در طی این جلسات متوجه شدم بازخورد این مسائل در خانواده‌ها بسیار منفی خواهد بود مثل فیلم کومل.

آقای دکتر سعیدی: آقای دکتر صابری می‌گویند پدر و مادر به جای آموزش خود مراقبتی و آموزش حریم خصوصی و مباحث مرتبط باید "دیگر مراقبتی" مراقبت از فرزند کنند. من مورد خودم را مطرح می‌کنم بیش از اینکه من به عباسم یاد داده باشم که چگونه عمل کند خودم مراقبم.

آقای بداقی: یک کار دیگر هم ممکن است به جای اینکه به کودک مورد به مورد بگوییم این قسمت‌ها را مراقبت کن بگوییم آن قسمت‌هایی را که با لباس زیر می‌پوشانی حریم خصوصی خودت است. من متوجه شدم در بعضی خانواده‌ها بچه‌های پسر شش هفت ساله را خیلی راحت در مقابل یک دختر برهنه می‌کنند فقط با شورت درون خانه حرکت می‌کنند بعد این برای دختر سؤال است چرا برادرم می‌تواند این کار را انجام بدهد و من نه، یا اینکه چرا همه جای بدنش دیده می‌شود و یک محل پوشیده است.

آقای دکتر سعیدی: ما اگر شرایط خانواده‌ها را در نظر بگیریم چقدر حاضر هستند ورود پیدا کنند می‌شود کار میدانی کرد. البته نظر آقای ابراهیمی این است اولین مرحله آموزش به والدین باشد این کاری است که آقای محمدی شروع کردند امسال ۱۶۰ مدرسه در ۸ منطقه با مربی خانم و آقا آموزش داده می‌شود ما هم این اعتقاد را داریم اولین و مهمترین مرحله خانواده و والدین است. ما نخستین آموزه را در مبحث تربیت جنسی کسب مال حلال در نظر گرفتیم. گفتیم اگر مال حلال نباشد بی‌فایده است (مرخص است).

آقای بداقی: من فکر می‌کنم با توجه به مخاطب، نوع بیان و استفاده از حدیث یا روایت باید متفاوت باشد. یک وقت مخاطب اعتقاد دینی شان بالا است تامی‌توانم حدیث و روایت استفاده می‌کنم. ولی در بجنورد کل مخاطب های من که بچه هاشان در مهد کودک بود غیر دینی بودند من اینجا حتی یک حدیث هم نگفتم ولی از دین استفاده کردم.